

## ارمغان چه آوردی؟ سمندر مشکی باف

مروی است در احادیث اسلامی که شخصی از بزرگان و نفسی از دانشمندان، از جهان فانی به جهان باقی شتافت . حضرتش در میان امت محترم بود و دارای مریدان بسیار و شاگردان بی‌شمار.

چون به جهان دیگر شتافت، شباهنگام در عالم رؤیا به دیدار یکی از مریدانش شتافت . مرید از پرسید که در آن جهان کار تو چگونه گذشت؟ گفت، در بدو ورودم پرسیدند، "ارمغان بهر خدایت چه آوردی؟" گفتم، "علم و حکمت." گفتند، "خزائن پروردگارت مملو است از آن ." گفتم، "عمری خدمت." گفتند، "خزائن پروردگارت مشحون است از آن ." سخت حیران بماندم و سرگردان شدم که چه ارمغانی باید با خود می داشتم که در خزائن پروردگارم موجود نباشد و او را مقبول افتد. ناگاه به خاطر آوردم که در خزانه آن مظهر هویت و هستی، نیستی وجود ندارد؛ پس گفتم، "فقر و عجز؛ محویت و عبودیت؛ نیستی و فنا." گفتند، "این هدیه مقبول است؛ که در خزانه پروردگارت یافت می نشود."

حال، پرسشی دارم از سردمداران جمهوری اسلامی که سخنها فراوان می گویند و در اقتناع خلق سعی بسیار دارند و تهمت سیاسی بودن و مخالف ملک و ملت بودن به بهائیان زنند و مردمان را با اینگونه سخنها علیه بهائیان سعی در شوراندن دارند . حال، با توجه به همین حدیث اسلامی، که در وصف آن دوستی که به دیدار حضرت یوسف رفت نیز روایت همی نمایند<sup>i</sup>، ارمغان بهر خدایتان چه خواهید برد؟

اگر گویند ثروت، آیا نخواهد گفت که من غنی علی الاطلاق هستم؟ اگر گویند علم و حکمت، آیا نخواهد گفت علیم و حکیم هستم؟ اگر گویند، شوکت و قدرت، آیا نخواهد گفت که خود من حیّ قدیر و مقتدر هستم؟ حتی اگر گویند، عشق و محبت؛ آیا نخواهد گفت من مصدر محبت هستم و جهان را به محبت خلق کردم؟ پس آیا شما را نخواهد فرمود، "به درستی که بیامدید به حضرت ما تنهای تن‌ها؛ نه شما را شفیعی در روز دین و نه شما را ناصر و معین و نه عظمت و جلال و نه عزت و اقبال و نه افتخار به خیل و حشم و نه اغترار به اشیاع و خدم و نه حسن اعتقاد به احسان من و نه لطف انقیاد به فرمان من. بل، بدان حال که اول شما را آفریده بودم برهنه از همه چیز؛ یا امید بازگشتن نداشتید یا وعده و وعید ما را باطل پنداشتید."<sup>ii</sup>

گیرم در این چهار روزه عمر، با بهتان هایتان گروهی را قانع ساختید، و بعضی را فریفتید، و برخی را وادار به مخالفت با بهائیان نمودید و در باور بعضی نشانید که اینان در سیاست مداخله ای دارند و به این قدرت و آن قدرت وابستگی، جواب آن درگاه را که از شما ارمغان می‌خواهد، چه خواهید داد؟

<sup>i</sup> جواهر الاسرار و زواهر الأنوار، اثر کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی عارف قرن نهم، به همت دکتر محمدجواد شریعت، ج 1 ص 417 به بعد

<sup>ii</sup> همان، ص 418 در توضیح آیه 94 از سوره انعام: "و لَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ"